



جریان‌های سلفی - تکفیری و تأثیر آن بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی

محمد رضا رنجبر^۱، حسن علی یاری^۲

چکیده

منطقه قفقاز جنوبی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی مواجه بوده است. در کنار این مشکلات که بیش از دو دهه است منطقه را تحت تأثیر قرار داده، گسترش چالش‌های امنیتی در حوزه‌های پیرامونی از جمله حضور پررنگ گروه‌های سلفی - تکفیری در خاورمیانه و آثار آن بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی بر حجم مشکلات دولت‌های این مجموعه امنیتی افزوده است. در این راستا، پرسش اصلی این مقاله به این شکل مطرح می‌شود که گسترش فعالیت جریان‌های سلفی و تکفیری در محیط پیرامونی قفقاز جنوبی چه تاثیری بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی داشته است؟ (مساله) با توجه به گسترش دامنه فعالیت گروه‌های سلفی - تکفیری در منطقه قفقاز جنوبی این پژوهش ضمن بررسی نقش این گروه‌ها در مجموعه امنیتی منطقه مورد نظر بر آن است تا چالش‌های ایجاد شده برای دولت‌ها و مردم این منطقه را تبیین نماید. (اهداف) این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان و ویور مساله مورد نظر را مورد بررسی قرار داده است (روش). یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گسترش جریان‌های سلفی و تکفیری در محیط امنیتی قفقاز جنوبی با اقداماتی نظیر عضوگیری از میان شهروندان دولت‌های قفقاز جنوبی و اقدامات تروریستی و ناامن‌سازی بستر برای فعالیت‌های اقتصادی سبب ایجاد چالش‌های جدی امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای دولت‌ها و مردم این منطقه شده است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: سلفی‌گری، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، قفقاز جنوبی، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.3.2.7

دوره ۱۳، شماره ۳،
پیاپی ۳۳ پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۵/۳۱
صص: ۴۸-۲۵

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پروسی فیلنت گواهی نشر
JOURNALS.MSRT.IR

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران ایران (نویسنده مسئول)

mrranjbar.dr@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران ali-yari@pnu.ac.ir

مقدمه

تحلیل امنیتی در سطح منطقه‌ای، گذاری از نگاه سنتی تحلیل امنیتی در دو سطح ملی و جهانی بوده است. تحلیل امنیتی به طور عمده دولت را در کانون توجه خود قرار می‌دهد ولی امنیت جهانی به قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها توجه می‌کند. در سطح منطقه‌ای دولت‌ها به هم نزدیک‌تر هستند و نمی‌توان امنیت آنها را جدا از هم در نظر گرفت. در این سطح، امنیت ملی و جهانی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث در محل تقاطع این دو سطح شکل می‌گیرند. یعنی قدرت‌های جهان در سطح سیستمی یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای تا حدی ناشی از ویژگی‌ها و گسست‌های داخلی واحدهای مجزا است و امنیت واحدهای مجزا و فرآیند مداخله قدرت‌های جهانی را تنها از طریق درک پویای امنیتی منطقه‌ای می‌توان فهمید (ابراهیمی و اصولی، ۱۳۹۴: ۲). قفقاز جنوبی نیز تا حد بالایی از همین الگو پیروی می‌کند.

این منطقه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، همواره مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است و از سوی دیگر به دلیل چالش‌ها و مشکلاتی از جمله عدم دولت-ملت‌سازی کامل، اختلافات قومی-مذهبی، اختلافات ارضی همواره دارای محیط امنیتی شکننده می‌باشد. در کنار این عوامل، مجاورت مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی^۱ با مجموعه امنیتی-منطقه‌ای خاورمیانه نیز حائز اهمیت است. امروزه خاورمیانه به یکی از کانون بحران و ناآرامی در جهان مبدل شده که تهدیدهای امنیتی آن علاوه بر کشورهای منطقه‌ای، سایر مناطق را نیز تحت تأثیر قرار داده است (Pokalova, 2017:11).

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی خاورمیانه، ظهور و گسترش افکار و گروه‌های سلفی-تکفیری^۲ است که در مناطق پیرامونی آن یعنی آسیای مرکزی و قفقاز تأثیر قابل توجهی داشته است. این گروه‌ها با ارائه قرائتی خاص از اسلام که به طور عمده مبتنی بر تفاسیر نادرست از اصولی نظیر جهاد است، علاوه بر تاثیرگذاری بر ساختار امنیتی خاورمیانه، بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی نیز تأثیر گذاشته‌اند. اما آنچه دارای اهمیت است، وجود برخی زمینه‌ها و بسترها از جمله، مشکلات سیاسی جمهوری‌های این منطقه با یکدیگر از جمله تنش باکو^۳ با ایروان^۴ در

-
1. South Caucasus Security Suite
 2. Salafi-Takfiri
 3. Baku
 4. Yerevan

مسئله قره باغ^۱ و همچنین گرایش‌های تجزیه‌طلبانه اوستیای جنوبی^۲ و ابخازیا^۳ در گرجستان^۴، جدا از این مسائل دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مضاعف ساختن آثار گسترش گروه‌های سلفی در این منطقه می‌باشد.

از این منظر، پرسش این مقاله به این شکل مطرح می‌شود که گسترش جریان‌های سلفی و تکفیری چه تاثیری بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی داشته است؟ فرضیه مقاله حاضر که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته می‌شود آن است که «گسترش جریان‌های سلفی - تکفیری بر اساس نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان و ویور در محیط پیرامونی مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی با اقداماتی نظیر عضوگیری از میان شهروندان دولت‌های قفقاز جنوبی و اقدامات تروریستی و ناامن‌سازی بستر برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی سبب ایجاد چالش‌های جدی امنیتی، سیاسی و اقتصادی همچنین اجتماعی برای دولت‌ها و مردم در این منطقه شده است». مقاله حاضر درصدد است با بررسی زمینه‌های موجود برای تأثیرپذیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی از این جریان‌ها، بر چگونگی تأثیرگذاری این جریان‌ها بر این مجموعه بپردازد.

پیشینه پژوهش

۱ - در مقاله‌ای توسط ولی کالجی (۲۰۲۲). تحت عنوان "برداشت‌ها و نگرانی‌های ایران از تنش‌های مرزی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان". نوشته شده است نویسنده در این مقاله به رویکرد جمهوری اسلامی ایران به قفقاز جنوبی اشاره کرده است که افراط‌گرایی مذهبی در این منطقه مجموعه امنیتی یاد شده را با مشکلات قابل توجهی روبه رو ساخته است که اما دو کشور آذربایجان و ارمنستان به این مسئله توجهی نداشته که باعث نگرانی جمهوری اسلامی ایران شده است. اما آنچه باعث تفاوت دو کارپژوهش شده عدم تمرکز مقاله فعلی بر تنش بین ارمنستان و آذربایجان است.

۲ - در مقاله‌ای توسط عارف بیژن (۲۰۲۰). تحت عنوان "استراتژی روسیه در قبال توسعه ناکوتروریسم در قره باغ کوهستانی و گرجستان". نویسنده در این مقاله به نگرانی‌های روسیه در قبال توسعه فعالیت تروریست‌های تکفیری در قفقاز جنوبی اشاره کرده است که باعث نا امن

1. Gharabagh
2. South Ossetia
3. Abkhazia
4. Georgia

شدن حیات خلوت مسکو شده‌اند. این مقاله با پژوهش فعلی اشتراکات قابل توجهی دارد اما آنچه که باعث تفاوت بین این دو شده است، عدم توجه به دیدگاه روسیه در این کار می‌باشد و بررسی فعالیت تروریست‌های تکفیری در قفقاز جنوبی مهم‌ترین کار در این مقاله فعلی است.

۳- در مقاله‌ای توسط داشا نیکلسون (۲۰۱۷). تحت عنوان "جنگجویان تروریست خارجی از قفقاز شمالی: درک نفوذ دولت اسلامی در منطقه". نویسنده در این مقاله به افراط‌گری مذهبی و نیروهای تروریستی و تکفیری در قفقاز اشاره کرده است اما عدم تمرکز آن بر قفقاز جنوبی و فعالیت آن‌ها در این منطقه بوده است. که باعث اختلاف با مقاله حاضر که عمده فعالیت خود را در قفقاز جنوبی می‌داند.

۴- در مقاله‌ای توسط فردوس بولوت کارتال (۲۰۲۳). تحت عنوان "گروه تروریستی داعش همچنان به تهدید جدی در مناطق درگیری قفقاز جنوبی ادامه می‌دهد". نویسنده در این مقاله به نیروهایی اشاره دارد که عمدتاً از گرجستان به تروریست‌های تکفیری در خاورمیانه پیوسته و بیعت کرده‌اند. که بعد از بازگشت به عنوان تهدیدی جدی برای این کشورها به شمار می‌روند. این مقاله با کار فعلی تشابهات قابل توجهی دارد اما آنچه که باعث تفاوت این دو کار شده تاکید نویسنده مقاله بر نیروهای داعش است که ما در صدد هستیم تمام نیروها و رویکرد آن‌ها را مورد بررسی خود قرار دهیم.

۵- در مقاله‌ای توسط کالین پی کلارک (۲۰۲۴). تحت عنوان "دولت اسلامی هرگز از بین نرفت". نویسنده در این مقاله به تهدیدهایی که نیروهای تروریستی و تکفیری ممکن است در نقاط مختلف جهان برای کشورهای متعددی داشته باشند اشاره کرده است. و به این نتیجه دست یافته که هنوز خطر و تهدید آن‌ها به جا و جدی می‌باشد که هر کشوری باید در حد خود این تهدیدهای موجود را مدیریت و از بین ببرد. اما به نیروی خاصی و منطقه خاصی اشاره نکرده است.

چارچوب نظری

اندیشیدن به امنیت و معضلات امنیتی به پیدایش مکاتب مختلف امنیتی منجر شده است. هر یک از این مکاتب با توجه به مبانی و رویکردهای متفاوت به مفهوم‌سازی و تبیین ابعاد تحلیل چارچوب مفهومی امنیت پرداخته‌اند که حاصل آن مجموعه‌ای از ایده‌ها، روش‌ها و مطالعات موردی است که به «مطالعات امنیتی»^۱ مشهور شده است. پیچیدگی و چندلایه بودن و تنوع عوامل مؤثر در ایجاد پایداری، زوال و یا نابودی امنیت باعث شده است که هیچ یک از مکاتب موجود به‌رغم توان ادعایی، نتوانند همه زوایای موضوع را بررسی کنند و نوید بخش

1. Security Studies

وضعیتی رضایت‌بخش باشند. ناتوانی در تبیین تمامی وجوه امنیت، همواره عرصه را برای ظهور نظریات و مکاتب جدید باز گذاشته است که در نقد نظریات و مکاتب موجود و تلاش نظری و عملی برای بازنمایی وجوه مورد نظر برای خود هویت‌سازی کرده‌اند (قیصری، ۱۳۹۲: ۲۸).

یکی از برجسته‌ترین مکاتب که با ارائه تعریف چند بعدی از امنیت، جایگاه مهمی در مطالعات امنیتی به دست آورد، مکتب کپنهاک^۱ است. این مکتب با توجه به اینکه بر مطالعات امنیتی استوار است از اولین رهیافت‌هایی می‌باشد که به دنبال پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است. یکی از مهم‌ترین چارچوب‌هایی که از جانب مکتب کپنهاک برای بررسی دقیق‌تر مطالعات امنیتی در سطح منطقه‌ای مطرح شده است، «نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۲ که توسط باری بوزان^۳ در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۴ ارائه شده است. (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۴). در این پژوهش از چارچوب نظری تحلیل امنیتی باری بوزان استفاده شده است «امنیت منطقه‌ای که از جمله مفاهیم محوری مکتب کپنهاک و مورد تأکید باری بوزان و الی ویور را تشکیل می‌دهد، مجاورت و وابستگی متقابل امنیتی در خوشه‌های منطقه‌ای را بسیار حائز اهمیت می‌پندارد.» (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۴۳) از نظر بوزان هر منطقه‌ای فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه بین مناطق از یکی به دیگری قابل تعمیم نیست. از این رو خاورمیانه مانند منطقه آمریکا، اروپا و... فرمول امنیتی خود را داراست وی معتقد است که مقولاتی چون تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی با سرعت و به سهولت، در خاورمیانه را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. (نصری، ۱۳۸۱: ص)

بوزان امنیت اجتماعی را یکی از مهم‌ترین ابعاد پنج‌گانه امنیت معرفی کرده است. به این معنا که امنیت اجتماعی در کنار سایر ابعاد امنیت از جمله امنیت اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی و همچنین نظامی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، باری بوزان اشاره می‌کند که امنیت اجتماعی و اقتصادی مستقل از امنیت دولت نمی‌باشد (Buzan & Waever, 1993: 43-46). اما منظور از امنیت اجتماعی از دیدگاه باری بوزان به معنای این نیست که هر گروه اجتماعی را جامعه نامید. در دیدگاه باری بوزان امنیت اجتماعی یک اصلاحی است که ناظر بر کل جامعه می‌باشد نه امنیت گروه خاصی در یک جامعه (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۱۴۸).

1. Copenhagen School
2. Regional Security Security Complex
3. Barry Buzan
4. People, States and Fear

از منظر بوزان، متداول‌ترین تعریف ارائه شده از مجموعه امنیتی این است که «گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد». مجموعه‌های امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. متغیرهای تاریخی مانند دشمنی‌های پایدار یا قرارگرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک^۱ و پیامدهای آن بر توازن قوا^۲ و نیز ناشی از فشار نزدیکی جغرافیایی است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶).

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، نظریه‌ای روش‌شناسانه با سطح تحلیل منطقه‌ای برای تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل است. این روش - نظریه به علت انتخاب سطح تحلیل به عنوان مبنای خود، نظریه محیط‌شناسی امنیتی^۳ نیز محسوب می‌شود. تقسیم جهان به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مشتمل و مرتبط با یکدیگر موجب می‌شود تا نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، چهار سطح تحلیل متفاوت منطقه‌ای را به یکدیگر پیوند دهد و در هر سطح مشخص نماید. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹). ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی شامل چهار متغیر است که آن را از همسایگان خود جدا می‌کند؛ ساختار آنارشیک؛ به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشند، قطب که پوشش‌دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست، ساخت اجتماعی که شامل الگوی دوستی و دشمنی میان واحدهاست (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۵). در مجموع باید گفت ایده اصلی این نظریه این است که چون انتقال تهدیدهای در فواصل کوتاه‌تر به مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی‌تر است، وابستگی متقابل امنیتی به شکل طبیعی به الگوی دسته‌بندی‌های منطقه‌ای مجموعه‌های امنیتی تبدیل می‌شود.

یکی از نتایج قابل توجه پایان جنگ سرد، ظهور مناطق و مجموعه‌های امنیتی جدید در جمهوری‌های استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی بود. از جمله مهم‌ترین این جمهوری‌ها می‌توانیم به کشورهای قفقاز جنوبی اشاره کنیم. این منطقه محدوده‌ای به وسعت ۱۸۶ هزار کیلومتر مربع از غرب به دریای سیاه و آذوف^۴ از شرق به دریای خزر از جنوب به ایران و ترکیه و

1. Anarchic Structure
2. Balance of Power
3. The theory of Security Environment
4. Azov

از شمال با یک خط افقی میان رودخانه‌های دن^۱ و ولگا^۲ و رشته‌کوه‌های قفقاز محدود شده است.

از دیدگاه ژئوپلیتیک^۳ این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در قالب سه جمهوری مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در نقشه سیاسی اوراسیا^۴ ظاهر شد. اما به دلیل بافت متکثر قومی، نژادی و مذهبی، هفت جمهوری خودمختار و چهار استان خودمختار نیز در درون مرزهای سه کشور شکل گرفتند که این امر نتایج قابل توجهی را در تحولات منطقه به دنبال داشت. به عنوان مثال می‌توان به تنش حل نشده میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مسئله قره‌باغ و به وجود آمدن گروه‌هایی که طالب خودمختاری هستند در کنار رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین رقابت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه، رقابت میان روسیه و آمریکا برای تأمین منافع ملی مورد نظر خود است (Poghosyan, 2017). این رقابت از اهمیت خاص ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در منطقه اوراسیا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأثیر پذیرفته است که چشم‌اندازی از منازعه تا همکاری بین سه کشور قفقاز با بازیگرانی چون روسیه، ایران و ترکیه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، ناتو، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی است. به عبارت دیگر، نحوه تعامل و یا تقابل هر یک از این بازیگران، تأثیر قابل توجهی بر نوع مناسبات قفقاز جنوبی طی دو دهه اخیر داشته است؛ به طوری که هرگونه تحول امنیتی در این منطقه در راستای امنیت ملی کشورهای منطقه تعبیر می‌شوند. حضور فعال این کشورها در تحولات منطقه از جمله بحران ناگورنو-قره‌باغ، بحران داخلی گرجستان و ائتلاف‌های منطقه‌ای^۵، نشان‌دهنده میزان حساسیت نسبت به تحولات قفقاز جنوبی است (داداندیش و کوزه‌گرکالچی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۹).

در بعد داخلی نیز این منطقه به دلیل وجود اقوام و هویت‌های متنوع به بالکان اروپا^۶ شهرت یافته است. ارامنه، آذری‌ها و گرجی‌ها سه گروه قومی اصلی در این منطقه هستند که هر یک دارای اقلیت‌های متعدد قومی نیز می‌باشند. جمهوری آذربایجان از ۲۰ اقلیت قومی، ارمنستان ۸ اقلیت قومی و گرجستان از ۱۱ اقلیت قومی تشکیل شده‌اند. بر این اساس از آنجا که شکل‌گیری

1. Dan
2. Volga
3. geopolitics
4. Eurasia
5. Regional coalitions
6. The Balkans of Europe

این سه واحد سیاسی بر اساس شاخص‌های قومی - فرقه‌ای انجام شده است، واحدهای سیاسی قفقاز را می‌توان تجلی قومیت‌های سیاسی شده دانست. این امر زمینه‌ساز بحران مداوم در این منطقه شده است. بدین لحاظ، تلاش اقلیت‌ها برای تجزیه‌طلبی، بزرگ‌ترین خطر تهدیدکننده امنیت ملی و ثبات قفقاز جنوبی می‌باشد (کرم‌زادی و خوانساری‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

چنین شرایطی گویای وجود چالش‌ها و بحران‌های داخلی و ساختاری در این منطقه است که در پیوند با رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذکر شده، موجب حاکم‌شدن شرایط ناپایدار و شکننده امنیتی در قفقاز جنوبی طی دهه‌های اخیر شده است (داداندیش و کوزه‌گرکالجی، ۱۳۸۹: ۸۴) چرا که کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و یا به عبارت دیگر کشورهای قدرتمند می‌توانند با سواستفاده کردن از تکثر قومی که در قفقاز جنوبی وجود دارد در کنار مشکلات داخلی این جمهوری‌ها خود به موانع ایجاد یک محیط امن بيفزایند. این موانع با کمک به بی‌ثبات منطقه‌ای، منازعاتی مانند بحران قره‌باغ را تشدید می‌نمایند و زمینه نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در منطقه قفقاز فراهم می‌سازند. این مسائل از جمله مهم‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در نظریه باری بوزان و ویور قابل مشاهده هستند.

نظریه مجموعه امنیتی با توجه به رهیافتی نوین در مطالعات امنیتی و تلاش برای خارج شدن از دایره تنگ نظامی به نقطه نظرات کسانی که امنیت را تک بعدی و در ابعاد نظامی می‌دانستند، نقد وارد ساخته و امنیت فراگیر و چندبعدی را معرفی می‌نماید. باری بوزان با تلاشی مضاعف، امنیت تک بعدی را زیر سؤال برده و آن را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داده است (Buzan & Waver, 1997: 241). باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است که بایستی امنیت را برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود و از نظر وی امنیت در نبود مسأله‌ایی به نام تهدید درک می‌شود. این تعریف باری بوزان به تعریف امنیت در دوران جنگ سرد که تک بعدی و مورگنتایبی بود نزدیک است. ولی خود بوزان امنیت را پس از جنگ سرد، دیگر در نبود تهدید سنتی تعریف نمی‌کند، وی می‌گوید، «امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود». از نظر بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی رسانه‌ها و تروریسم همگی در وجوه امنیت مرجع هستند. (Buzan, 2000: 13-22).

این نوشتار با بهره‌گیری از رهیافت نوین و دیدگاه‌های باری بوزان و ویور^۱ در مطالعات امنیتی و تلاش متفکران آن بر خروج از امنیت تک بعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی ظهور تهدیدهای جدید است؛ بنابراین توجه به رویکرد تخصصی این مکتب در تحلیل امنیت،

می‌تواند به عنوان الگویی مناسب در تحلیل مسائل امنیتی و به ویژه مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی باشد.

تهدیدهای تروریست‌های سلفی - تکفیری بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی

قفقاز جنوبی مانند دیگر مناطق آسیا شاهد تحرکاتی از سوی برخی حامیان و گروه‌های افراطی وابسته به تروریست‌های داعش بوده است. سطح پایین آگاهی بخش‌هایی از جامعه این منطقه و سرمایه‌گذاری داعش به کمک برخی کشورهای فرامنطقه‌ای در این حوزه، سیاست‌های این گروه را در سازماندهی و تشکیل شاخه‌های خود در این منطقه هموار کرده است. با توجه به افق‌های ساختارگرایانه مکتب کپنهاگ^۱ و نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان، منطقه قفقاز جنوبی از تنوع قومی و نژادی و تنش‌هایی که در این بعد وجود دارد، برخوردار هستند؛ این مسئله در کنار جمعیت مسلمان و به طور عمده بیکار و ناراضی از دولت‌های خود در این جمهوری‌ها باعث می‌شود که از نظر امنیتی و سیاسی و همچنین اقتصادی تحت تأثیر ایدئولوژی‌های تکفیری منطقه پیرامون خود از جمله خاورمیانه قرار گیرد و به دنبال آن باعث ناامنی در ابعاد مذکور در جمهوری‌های این منطقه شده است (Ibrahimov, 2016: 6-8).

به منظور شفافیت بیشتر ابعاد پنجگانه امنیت مورد توجه باری بوزان و ویور در نظریه مجموعه امنیتی به معرفی آنها پرداخته و آثار ضدامنیتی گروه‌های سلفی - تکفیری بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی در هریک از این مقوله‌ها و ابعاد سنجیده و به طور جداگانه به بررسی مسائل اصلی تأثیرگذار بر این جنبه‌ها پرداخته می‌شود.

تهدیدهای امنیتی

بعد نظامی قدیمی‌ترین برداشتی است که از مفهوم امنیت وجود دارد. در دوران جنگ سرد این بحث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ اما بعد از جنگ سرد هرچند از اهمیت این بعد کاسته نشد، اما ابعاد دیگری از جمله بعد اجتماعی در کنار بعد نظامی و امنیتی ظهور کرد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). تهدیدهای نظامی یکی از مهم‌ترین منبع نگرانی دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی خود می‌باشد. این تهدید می‌تواند تمام اجزای یک دولت را با خطری جدی مواجه کند. بدون توجه به میزان قدرت دولت‌ها هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی تهدیدهای نظامی همچنان به قدرت خود باقی مانده است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۵). به نظر می‌رسد، مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی از این قانده مستثنی نباشد چرا که هزینه‌هایی که گروه‌های تکفیری در مناطق پیرامون برای کشورهای سوریه و عراق و همچنین سایر کشورهای خاورمیانه به جا گذاشته است قابل توجه می‌باشد. با آغاز تحولات خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق مهم و پیرامونی قفقاز جنوبی به‌ویژه از سال ۲۰۱۱، گروه‌های تروریستی این منطقه

از نقاط مختلف جهان به ویژه مناطق مسلمان نشین شروع به عضوگیری کردند. ماهیت دینی تحولات خاورمیانه و تبلیغات گسترده شبکه‌های وهابی در مناطق پیرامون باعث شد که گروه‌های افراطی دیگری به این ترویس‌ها بپیوندند. بنابراین، مسلمانان منطقه قفقاز جنوبی به دلیل مرزهای مشترک با خاورمیانه به سرعت تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته و طولی نکشید که افراطیون مذهبی این جمهوری‌ها به صف تروریست‌های داعش و جبهه النصره^۱ پیوستند. این مساله تهدیدی جدی برای جمهوری‌های قفقاز جنوبی به شمار می‌رود؛ چرا که این جمهوری‌ها از بنیه اقتصادی ضعیف و آمار بیکاری چشم‌گیری برخوردارند. همچنین نظام حاکم این کشورها توانایی لازم برای مبارزه با این افراد و گروه‌هایی پیوسته به داعش یا القاعده^۲ را ندارند (Perier, 2017: 12). به طور کلی این مشکلات باعث شده است که افراد زیادی از این کشورها که عضو گروه‌های جدایی طلب یا چپن بوده‌اند به داعش و جبهه النصره اضافه شوند که اغلب مانند ترخان^۳ معروف به عمر چپن^۴ سرکرده‌های آنها به شمار می‌روند. بازگشت این افراد که تجربه‌های زیادی در زمینه عملیات‌های تروریستی و چریکی دارند، می‌تواند برای جمهوری‌های قفقاز تهدیدهای امنیتی و نظامی قابل توجهی ایجاد کنند. (Shuster □□□□□□□□).

در این راستا، می‌توان به گروه تکفیری «داعش» اشاره کرد. این نیروهای تکفیری به رغم عدم پیوند رسمی، نفوذ خود را در قفقاز جنوبی به ویژه مرزهای جمهوری آذربایجان و گرجستان توسعه داده‌اند. □ اما جدا از نیروهای تروریستی داعش که در قفقاز جنوبی مشغول فعالیت هستند، نیروهای افراطی این منطقه در بعد ملی خود نیز باعث ایجاد ناامنی در جمهوری‌های قفقاز جنوبی شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این نیروها می‌توان به «برادران جنگل»^۵ و «جی سو لالا»^۶ اشاره کرد. این نیروها باعث ایجاد مشکلات امنیتی با پیوستن به نیروهای تکفیری داعش و سایر گروه‌های سلفی- تکفیری در جمهوری‌های مذکور شده‌اند (Ibrahimov, 2016: 4-5). از □ آغاز □ مارس ۲۰۱۶ □ نیروهای □ داعش □ با □ از □ دست □ دادن □ موقعیت □ خود □ در □ میدان‌های □ نب □ رد □ و □ تلف □ ات □ گسترده □ در □ موقعیت □ دفاعی □ قرار □ گرفته □ و □ ظرفیت □ نظامی □ آنها □ تضعیف □ شد. این

1. Jabhat al-Nusra

2. Al-Qaeda

3. Tarkhan

4. Omar Chechnya

5. Forest brothers

6. Ji Su Lala

مسئله باعث شد که برخی از پیکارجویان اهل جمهوری‌های قفقاز جنوبی به فکر بازگشت مخفیانه به این کشورها باشند. چنانچه مطرح شد با بازگشت این تروریست‌ها، میزان تهدیدهای تروریستی این مناطق افزایش یافته و به یک معضل تمام‌عیار امنیتی تبدیل خواهد شد (دهشیری و جوزانی‌کهن، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

تهدیدهای نظامی این گروه‌ها در کشورهای اسلامی و به‌ویژه کشورهای قفقاز جنوبی، موجب شده است تا جمهوری‌های آذربایجان، گرجستان و ارمنستان خطر فعالیت‌های فرقه‌های وهابی را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه‌ای خود تلقی نمایند. گرجستان از جمله کشورهای است که در منطقه قفقاز جنوبی در معرض نفوذ و گسترش تهدیدهای امنیتی جریان‌های سلفی - تکفیری مناطق پیرامون می‌باشد. بنابراین به گفته ایزوریا^۱، معاون وزیر امنیت امور خارجه گرجستان شماری از شهروندان این کشور در هنگام عبور از مرز به سمت ترکیه برای پیوستن به داعش و گروه‌های دیگر در سوریه، بازداشت شدند. تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های تروریستی باعث شد تا در پارلمان گرجستان قانونی جدیدی برای جلوگیری از پیوستن افراد به تروریست‌های داعش تصویب شود. تفلیس برای محدود کردن این اقدامات همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی خود را با کشورهای غربی به ویژه آمریکا را افزایش داده است. بر این اساس، دولت تفلیس اطلاعات زیادی را در مورد شهروندان وابسته به داعش کسب کرد که بر مبنای آنها تخمین زده می‌شود که ۱۰۱۴ نفر از اعضای داعش به گرجستان نفوذ کرده‌اند. با این وجود، ایزوریا تأکید کرد که گرجستان از لحاظ تروریسم کشوری با ریسک پایین است. وی همچنین هشدار داد که در سال‌های اخیر تعداد زیادی از جوانان مسلمان و روحانیون افراطی سلفی تحت تأثیر تبلیغات داعش قرار گرفته‌اند (Waller, 2016: 2).

ارمنستان دیگر جمهوری قفقاز جنوبی است که تحت تأثیر اقدامات ضد امنیتی تروریستی سلفی - تکفیری مناطق پیرامون از جمله خاورمیانه قرار گرفته است. داعش در عراق و سوریه تعدادی زیادی از ارامنه و اقلیت‌های مسیحی را اعدام و کلیساهای ارامنه در این دو کشور را تخریب نموده است (Abrahamyan, 2015: 23). این مسائل نشان می‌دهد که داعش با فرض ورود به ارمنستان نیز از تخریب اماکن مقدس و ترور شهروندان ارمنی ابایی ندارد (Ibid, 2017: 2-5) زیرا که گروه‌های سلفی - تکفیری با تبلیغ در ایستگاه‌های رادیویی مناطق مختلف قفقاز به ویژه در ایستگاه رادیویی «البیان»^۲ در چچن، باعث جذب بیش از ۲۸۰۰ نفر از جوانان قفقاز شده و این مسئله نشان می‌دهد که خطر گروه‌های سلفی در منطقه قفقاز نسبت به سال‌های قبل دوچندان شده و ایران نیز را با خطر جدی به مانند ارامنه کشورهای عراق و سوریه

1. Isoria

2. Alibiyan

مواجه کرده است. به گونه‌ای که امروز ۲۸ درصد این گروه را مردم این جمهوری‌ها جمهوری‌های مذکور تشکیل می‌دهند و باعث نوعی جنگ روانی علیه مخالفین و دولت‌های متبوع آنها شده است (Hanoush, 2016). مجموعه این مسائل باعث شده است که در بین متخصصین امنیتی، تهدیدهای داعش برای ارمنستان مورد بررسی جدی قرار گیرد. سیران احنای^۱، وزیر دفاع ارمنستان اظهار داشت، «ارتش این کشور آمادگی مبارزه با گروه‌های سلفی - تکفیری نظیر داعش و جبهه‌النصره حتی در خارج از مرزها را نیز دارد» (Abrahamyan, 2015:2).

باکو نیز از دیگر کشورهای این منطقه در معرض خطرهای امنیتی و نظامی ناشی از اقدامات گروه‌های سلفی - تکفیری قرار دارد. بنابراین با پیوستن افرادی از جمهوری آذربایجان به داعش دولتمردان این جمهوری در نشست‌های بین‌المللی با حضور کشورهای اسلامی برای حل بحران سوریه و مبارزه با داعش شرکت کنند. جمهوری آذربایجان در سطح داخلی برای جلوگیری از پیوستن افراد به داعش، قانون کیفری خود را در سال ۲۰۱۴ تغییر داد و مجازات هرگونه همکاری با داعش را دوازده سال حبس تعیین کرد (Shiriyev, 2016). با این وجود به دلیل گسترش جنگ در سوریه، مسلمانان زیادی به جمهوری آذربایجان سفر کردند. این مسئله باعث شد که امکان رشد اندیشه‌های رادیکال که در ادامه ممکن است به تهدیدات امنیتی منجر شود در این جمهوری افزایش یابد (Paupuashvili, 2017:2). این امر، مشکل امنیتی مهمی برای باکو می‌تواند باشد زیرا گروه‌های تروریستی افراطی که فعالیت‌های خود را در نقاط مختلف گسترش داده‌اند در صدد توسعه و تبلیغ این اندیشه در کشورهایی که دارای جمعیت مسلمان می‌باشند، هستند چراکه به عقیده آنها قدرت‌های غربی موقعیت مسلمانان را تضعیف کرده و بر آنها ظلم می‌کنند (Speckhard, 2017:4-5). بنابراین گروه‌های تروریستی داعش و یا القائده که داعیه دار این اندیشه هستند بر خود لازم می‌دانند که از طریق جهاد و مبارزه با این مسئله مبارزه کنند. به علاوه داعش مخالف هرگونه نهادهای ملی است و تمام قوانین سازمان ملل را بی‌رحمانه تلقی می‌کند (Gasimov and Chiragov, 2017:22). این نکته را نیز بادی مورد توجه قرار داد که مسلمانان موجود در جمهوری آذربایجان اکثریتی شیعه دارند. این مسئله باعث می‌شود که بنابر رسالت گروه‌های تکفیری (مبارزه با شیعیان و قتل‌عام آنها) تهدیدهای امنیتی این گروه‌های سلفی - تکفیری را برای باکو دوچندان کند. بنابراین همانگونه که در مطالب فوق مطرح شد باکو را مجبور به پیوستن به ائتلاف‌های بین‌المللی برای مبارزه با تهدیدات امنیتی و نظامی گروه‌های تروریستی کرده است (Shiriyev, 2016:42-44).

تهدیدهای سیاسی

تهدید سیاسی از افکار و سنت‌هایی که توجیه اصلی آنارشی بین‌المللی محسوب می‌شود،

ناشی می‌گردد. در حوزه امنیت سیاسی برجسته‌ترین ابعاد آن مربوط به حاکمیت دولت‌ها و ثبات دولت‌ها می‌باشد. هدف از تهدید مذکور ممکن است فشار بر دولتی برای روی‌گردانی از سیاست خاصی و واژگونی آن دولت و یا تجزیه طلبی و برهم زدن بافت سیاسی آن دولت باشد. لذا تهدید سیاسی به این دلیل که دولت یک هویت سیاسی دارد به اندازه تهدید نظامی خطر آفرین ممکن است باشد. در بعد تهدید سیاسی جریان‌های سلفی - تکفیری باید به این نکته اشاره کنیم که جریان‌های سلفی - تکفیری در صدد هستند که یک حکومت اسلامی با توجه به ایدئولوژی‌های خود تشکیل دهند. برای رسیدن به این مهم آنها تلاش می‌کنند که حکومت‌های ملی را ساقط کرده و یک نظام مورد تأیید خود را روی‌کار بیاورند. در این بعد قومیت و افراطی‌گری قومی و مذهبی و همچنین گرایش‌های تجزیه‌طلبی از جمله مهم‌ترین مسائلی می‌باشد که می‌توان از آنها به عنوان یک اهرم فشار برای نیروهای سلفی و تکفیری برای براندازی حاکمیت دولت‌ها باشد (امام‌قلی اسماعیلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۳۱). به همین خاطر جمهوری‌های قفقاز جنوبی با توجه به وجود اقوام مختلف و ادیان و نژادهای مختلف در کنار رقابت بازیگرانی که در این منطقه دارای منافع هستند می‌توانند در محرض این تهدیدهای سیاسی گروه‌های سلفی - تکفیری مناطق پیرامون قرار گیرند.

به جهت تنوع نژادی، وجود نیروهای تجزیه‌طلب و گروه‌های اسلام‌گرایی افراطی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این منطقه، هر کدام از کشورهای مورد نظر برای رسیدن به اهداف امنیتی و سیاسی خویش به همگرایی با همسایگان می‌پردازند. گرایش‌های تجزیه‌طلبی در این منطقه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی افزایش یافته است. گرجستان به عنوان کشوری که ادعاهای جدایی طلبی آبخازستان^۱ و اوستیای جنوبی^۲ را پیشرو دارد، بیش از هر کشوری نگران سرایت این افراطی‌گری و تهدیدهای سیاسی ناشی از اقدامات آنها است چرا که با فعالیت این گروه‌ها و تهدیدهای سیاسی گروه‌های سلفی - تکفیری این جمهوری‌ها از جمله تفلیس انسجام داخلی خود را از دست می‌دهد (بردبار، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۴۲). این تهدیدها باعث شده است تا تفلیس تأثیرات ناشی از تحولات خاورمیانه و گروه‌های تروریستی فعال در این منطقه را با دقت مورد توجه قرار دهد. بدین منظور گرجستان برای رسیدن به اهداف سیاسی و امنیتی و بالا بردن توان عملیاتی خود در برابر تروریسم، دست به ائتلاف با ترکیه و جمهوری آذربایجان بزند. در مقابل، ارمنستان نیز با ایران و روسیه ائتلاف دیگری را تشکیل داده است (Chausovsky, 2015:2).

این مسئله باعث ایجاد قطب‌بندی در داخل این منطقه شده و ساختار و مجموعه امنیتی

1. Abkhazistan

2. South Ossetia

قفقاز جنوبی را شکننده‌تر خواهد کرد چرا که برخی از این جمهوری‌ها به همکاری با غرب روی آورده‌اند و برخی نیز با ایران و روسیه. همکاری ذکر شده ارمنستان و روسیه به این خاطر می‌باشد که ایروان میزبان پایگاه نظامی روسیه در منطقه است. لذا برای مسکو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و روسیه از این طریق در صدد کنترل و انحصار این منطقه برای خود می‌باشد. این درحالی است که ایروان در کنار همکاری با مسکو در صدد ایجاد نوعی رابطه با ناتو و آمریکا در منطقه باشد. این مسئله باعث ناخشنودی روسیه و متحدان آن از جمله ایران می‌شود. راهبرد ارمنستان برای آمریکا و به عبارت دیگر غرب اهمیت خاصی دارد چرا که آنها به دنبال جایگزین کردن منبع انرژی برای خود هستند. و با همکاری با این کشورها وابستگی آن جمهوری‌ها را به مسکو کاهش می‌دهند ((Poghosyan, 2017: 4-7). این رقابت باعث می‌شود که همگرایی در بین جمهوری‌های منطقه قفقاز جنوبی برای کاهش تهدیدهای سیاسی گروه‌های سلفی تکفیری به نحو چشم‌گیری کاهش یابد. چرا که هر کدام از بازیگران برای رسیدن به منافع خود در این منطقه از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین دلایل همکاری سیاسی بین جمهوری‌های قفقاز با غرب این مسئله می‌باشد که کشورهای غربی همواره از دسترسی تروریست‌ها به سلاح هسته‌ای وحشت دارند. بنابراین با توجه به این که جمهوری‌های قفقاز میزان نسبتاً فراوانی از تاسیسات هسته‌ای زمان اتحاد جماهیر شوروی را در اختیار دارند، خطرناک محسوب می‌شوند. با اینکه نابودی مواد رادیواکتیو^۱ در بیشتر نقاط دنیا در دستور کار غرب قرار دارد، اما در گرجستان هنوز مقدار زیادی از این مواد وجود دارد. لذا غرب نگران این موضوع است. (Giragosian, 2016: 2).

از آنجا که علاقه شهروندان این مناطق نیز برای پیوستن به داعش و توسعه بنیادگرایی اسلامی^۲ به مرحله‌ای خطرناک رسیده است (Sulck, 2016: 3). سایر جمهوری‌های این منطقه از جمله ایروان نگران گسترش فعالیت‌های تروریستی و تهدیدات سیاسی ناشی از فعالیت آن‌ها می‌باشد. به علاوه، تنش ارمنستان با جمهوری آذربایجان در قره‌باغ باعث مزید بر مشکلات سیاسی مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی برای نفوذ گروه‌های سلفی-تکفیری شده است. چرا که دو کشور یکدیگر را به عدم تمایل برای بازگردانی صلح مجدد به منطقه و بین دو کشور محکوم کنند. و واگرایی را در منطقه که لازمه نفوذ تهدیدهای سیاسی گروه‌های سلفی-تکفیری است را در این منطقه تقویت کنند (Minasyan, 2017). اما واگرایی این جمهوری‌ها دلایلی دیگری از جمله واکنشی که سازمان پیمان امنیت جمعی تحت رهبری روسیه به تنش بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان نشان داد، نیز دارد. (Ibid: 2). مسئله قره‌باغ برای جمهوری آذربایجان نیز

1. Radioactive Material

2. Islamic Fundamentalism

مشکل آفرین شده است. این تحرکات علاوه بر افزایش تخاصم با ارمنستان، سبب افزایش هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان برای کاهش تهدیدهای سیاسی ناشی از فعالیت گروه‌های تکفیری در این کشور و همچنین ایجاد نوعی موازنه در برابر ایروان شده است (Simao, 2016:3). بنابراین برای کاهش تهدیدهای مذکور باکو در صدد می‌باشد که همکاری خود را کشورهای مسلمان و مناطق پیرامون گسترش دهد. اما این مسئله با توجه به تنش‌های موجود بین بازیگران حاضر که در تلاش ساقط کردن تهدیدهای گروه‌های سلفی- تکفیری هستند با مشکل مواجه شد. به همین خاطر پیشنهاد ریاض برای پیوستن باکو به ائتلاف ضدتروریسم با مخالفت ایران و روسیه مواجه شد و باعث شد که جمهوری آذربایجان در اتخاذ رویکردی مستقل برای مبارزه با تروریسم دچار مشکل شود. (Shiriyev, 2016:42-44).

روسیه و ایران در صدد هستند برای مقابله با نفوذ ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن از جمله عربستان در قفقاز جنوبی رابطه خود با این جمهوری‌ها از جمله باکو را حفظ و تقویت نمایند (Ramani, 2017:3). گسترش روابط آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن با جمهوری آذربایجان و هرکدام از جمهوری‌های قفقاز به بهانه مبارزه با تروریسم باعث هژمونی و یا به عبارت دیگر یک‌جانبه‌گرایی واشنگتن در منطقه شده و منافع ایران و روسیه را با خطر مواجه می‌کند. به همین خاطر است که روسیه و ایران هژمونی ایالات متحده آمریکا را با چالش جدی مواجه کرده و با حضور نظامی آمریکا و گسترش دامنه آن ابراز نگرانی می‌کنند (Bilal Khalil, 2017).

محدودیت‌های ایجاد شده به دلیل تنش بین کشورهای منطقه در ایجاد ائتلاف ضدتروریسم باعث شد که رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف اعلام کند که این وضعیت بر رویدادهای جهان اسلام اثرگذار است. با این وجود باکو متوجه این مسئله نیز شد که هرگونه مبارزه با نیروهای تروریستی در سوریه و عراق مستلزم استفاده از نیروهای حافظ صلح و همکاری همه‌جانبه برای این عمل است؛ در بعد دیگر هرگونه همکاری با روسیه برای مبارزه با جریان‌های سلفی- تکفیری مستلزم استفاده از نیروی نظامی است، عملی کردن این اقدام برای باکو مشکل به نظر می‌رسد؛ باکو قادر به توجیه اقدام نظامی برای مردم کشور خود نیست و مردم آذربایجان مخالف هرگونه دخالت نظامی هستند (Shiriyev, 2016:45).

باکو بیش از کشورهای دیگر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی می‌تواند تحت تأثیر جریان‌های سلفی- تکفیری قرار گیرد. این کشور در آغاز بحران سوریه، موافقت خود نسبت به قطعنامه‌های شورای امنیت بر ضد دولت سوریه را ابراز داشت. اما با گسترش اقدامات تروریستی جریان‌های سلفی- تکفیری و نیز پیشنهاد برخی کشورهای اسلامی در جهت همکاری در مبارزه با داعش، جمهوری آذربایجان ترغیب شد که از این توافقات حمایت کند (Ibid:2). در عین حال،

اظهارات الخان آلاسگار^۱ مبنی بر اینکه هرگز اجازه نخواهیم داد که سیاست خارجی جمهوری آذربایجان درگیر مسئله مناطق پیرامون شود، نشانگر این است که این کشور تحرکات گروه‌های تروریستی در خاورمیانه را با حساسیت دنبال می‌کند. (Aghayeva, 2015).

از آنجا که داعش در صدد تشکیل دولت برای رسیدن به اهداف خود است. (اشرف نظری و السیمری، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۵). این مسئله باعث می‌شود که بر نگرانی‌های جمهوری‌های قفقاز جنوبی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین شورای امنیت افزوده شود و هرکدام برای کاهش تهدیدهای سیاسی ناشی از فعالیت گروه‌های سلفی-تکفیری به عنوان یک بازیگر ائتلاف ایجاد کنند.

تهدیدهای سیاسی ناشی از فعالیت گروه‌های سلفی-تکفیری باعث ایجاد مسائل داخلی برای این جمهوری‌ها شده است. برای مثال این امر باعث برخورد شدید آذربایجان با مخالفان شده است (Dewaa, 2017: 1). ارمنستان نیز برای جلوگیری از تهدیدهای سیاسی گروه‌های سلفی-تکفیری، موافق عملیات‌های نظامی روسیه در مناطق پیرامون و ساقط کردن این گروه‌ها است. این بدان معنا می‌باشد که در کنار همکاری ارمنستان با غرب ایران تا حدی نیز تحت تأثیر سیاست خارجی روسیه در مقابل جریان‌های سلفی-تکفیری قرار بگیرد. (Tchekmedyian, 2017). این مسئله سبب شده که مسکو در صدد باشد که با این چالش در مناطق مختلف از جمله قفقاز جنوبی مقابله نماید.

در مجموعه امنیتی مورد نظر هر کدام از کشورهای این منطقه برای جلوگیری از تهدیدهای سیاسی ناشی از نفوذ گروه‌های سلفی-تکفیری رویکردی همگرایی با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که عمدتاً آن‌ها نیز در رقابت کامل هستند برای دستگاه سیاست خارجی خود اتخاذ نموده‌اند. رقابت بین ناتو و آمریکا با روسیه و متحدان منطقه‌ای از جمله ایران به یک معضل امنیتی برای این جمهوری‌های تبدیل شده است (Rumer, 2017). بنابراین مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی به دلیل تنش‌هایی که بازیگران از یک طرف و خود این جمهوری‌های از طرف دیگر دارند، ظرفیت تأثیر پذیری را از تحولات مناطق پیرامون خود از جمله خاورمیانه را بالا برده است.

تهدیدهای اقتصادی

حوزه اقتصادی و نظامی برای هر کشوری در تأمین امنیت آن دارای رابطه گسست ناپذیری می‌باشند چرا که با گسترش و تقویت اقتصاد کشور، دولت می‌تواند مهم‌ترین کالاهای راهبردی را در اختیار نیروهای مسلح خود قرار دهد (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۵۰). در مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی که دارای اقتصادی ضعیف و تک بعدی هستند، اقدامات گروه‌های سلفی-تکفیری

^۱ Al-Khan Al-Lasagar .

می‌تواند به اقتصاد آنها خطر جدی وارد کند. بنابراین برای رفع این مشکل هر کدام از این جمهوری‌ها در صدد اتخاذ استراتژی خاصی برای اقتصاد خود هستند. برای مثال گرجستان برای رفع این مشکلات و دستیابی به توسعه اقتصادی به روابط تجاری با همسایگان، جذب سرمایه‌های خارجی منتهی به اشتغال‌زایی و دستیابی به آموزش عالی نیروهای متخصص چشم دوخته است. مهم‌ترین بخش‌هایی که می‌تواند برای این کشور درآمدزایی بالا داشته باشد، جذب گردشگر خارجی، توسعه حمل و نقل و قرار گرفتن در یک موقعیت برای ترانزیت نفت آذربایجان به غرب است (Mitchell, 2015: 41). هرچند تفلیس برای رفع این ضعف‌های اقتصادی و سیاسی، اقدامات لازم را در دستور کار خود قرار داده است، اما با توجه به تحرکات تروریستی و تهدیدات امنیتی که این گروه‌ها برای جمهوری‌های قفقاز به وجود آورده‌اند و همچنین اقدامات نظامی روسیه برای جلوگیری از نفوذ رقابتی غربی خود این کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این تحولات تأثیر بپذیرد. و بخش‌هایی را که برای تفلیس می‌تواند درآمدزایی کند به دلیل این مشکلات امنیتی را کد خواهد شد (Stronski & Vreeman, 2017).

نکته حائز اهمیت در مورد اقتصاد گرجستان یا منطقه قفقاز این است که امنیت در این منطقه نقش کلیدی در توسعه دارد. یکی از سیاست‌های گرجستان برای توسعه همه‌جانبه، جذب سرمایه‌های خارجی است. این موضوع یعنی جذب سرمایه، نیازمند امنیت برای اطمینان و اعتماد کشور سرمایه‌گذار است. (بردبار، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

مهم‌ترین مسئله‌ای که کشورهای قفقاز جنوبی با آن مواجه هستند، ورود نیروهای بنیادگرا از سوریه یا عراق به قفقاز و یا خروج آنها به قصد این مناطق بوده است. همچنین این موضوع که بیشتر سرکرده‌های داعش و جبهه النصره شهروند این کشورها به ویژه گرجستان هستند، باعث می‌شود امنیت لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همچنین برنامه‌های اقتصادی داخلی وجود نداشته و روند رشد اقتصادی این کشورها با مشکل مواجه شود. به همین خاطر است که تفلیس در صدد گسترش روابط خود با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به منظور دفع تهدیدهای امنیتی که بر اقتصاد این کشورها تأثیرات منفی چشم‌گیری دارد می‌باشد. اما رقابت‌هایی بین کشورهای در این منطقه باعث شده که این جمهوری‌ها به ویژه گرجستان نتواند از روابط اقتصادی خوبی در منطقه برای تقویت اقتصاد خود بهره ببرد. (Kramer, 2016: 2).

این موضوع علاوه بر مشکلاتی است که تفلیس در مسیر تحول اقتصادی خود دارد. چرا که ویرانی‌های ناشی از اقدامات گروه‌های تروریستی در استانبول و برلین نشان از این دارد که تهدیدات فراتر از خاورمیانه است (Guehenno, 2017: 22). و

کشورهای قفقاز جنوبی را نیز در بر می‌گیرد. این جمهوری‌ها هنوز برای ثبات و توسعه اقتصادی جامعه خود از ظرفیت‌های لازم برخوردار نیستند (Tembon, 2017: 1-2). چرا که

این جمهوری‌های به شدت به منابع انرژی نفتی و گازی وابسته هستند. و با توجه به بحران اوکراین غرب به این نتیجه رسید که روسیه دیگر برای تأمین منبع انرژی این کشورها قابل اعتماد نمی‌باشد. بنابراین غرب به دنبال منبع انرژی جایگزین به جای روسیه می‌باشد و قفقاز جنوبی یکی از مناطق مورد توجه غرب برای تأمین انرژی مورد نیاز خود است (Egorova, 2016). بنابراین با افزایش درگیری‌های ناشی اقدامات گروه‌های سلفی تکفیری و نفوذ آن به قفقاز جنوبی باعث می‌شود که مسیر انتقال انرژی در این منطقه با مشکل جدی مواجه شود. (Jafarli, 2016:2).

ارمنستان به عنوان یکی از جمهوری‌های قفقاز جنوبی با توجه به فعالیت گروه‌های سلفی- تکفیری و تبعات آن با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شده است. (Abrahamyan, 2015:2). ارمنستان بنابر فعالیت دیاسپورا^۱ که در سال‌های بعد از استقلال ایروان تلاش‌های فراوانی برای پیشرفت کشور سعی در جذب سرمایه‌های خارجی داشت. این امر مستلزم رقابت با همسایگان و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در این زمینه است (Atabekyan, 2017:45). اما آن‌گونه که مشخص است یکی از اصول جذب سرمایه‌های خارجی داشتن امنیت کامل است. تنش‌های ایروان با باکو در مسئله قره‌باغ و نیز فعالیت گروه‌های تروریستی در خاورمیانه و جذب افرادی در قفقاز جنوبی، ارمنستان را در این امر با مشکل مواجه کرده است.

همانگونه که مطرح شد هر کدام از کشورهای منطقه‌ای در صدد هستند که نفوذ خود را به منظور تأمین منافع ملی خود در قفقاز جنوبی گسترش دهند. عربستان نیز به منظور همکاری با این جمهوری‌ها و رقابت با ایران در قفقاز در تلاش می‌باشد که همکاری خود را با این جمهوری‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم و ... گسترش دهد. این همکاری برای آذربایجان از دو جهت سودمند است؛ الف). در زمان کاهش قیمت نفت که یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود و همچنین در زمان مشکلات اقتصادی، ریاض می‌تواند در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی یک پشتوانه مهم باشد و ب) باعث گسترش رابطه همه‌جانبه با سایر کشورهای اسلامی می‌شود (Shiriyev, 2016:12). اما گسترش رابطه با کشورهای اسلامی در منطقه امروزه نه تنها برای باکو، بلکه برای هر کشور دیگر با مشکل جدی مواجه می‌باشد. چرا که این منطقه با تهدیدهای جدی و جنگ‌های داخلی ناشی از اقدامات گروه‌های سلفی تکفیری نظیر داعش مواجه شده است و این مسئله باعث مهاجرت میلیون‌ها نفر از کشور خود شده و در نتیجه نا امنی ایجاد شده قیمت نفت نیز به شدت رو به کاهش می‌باشد. به علاوه، کاهش قیمت نفت برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نظیر عربستان، قطر، کویت و ... باعث

شده که میزان درآمد آنها نیز کاهش یابد. در ادامه این بحران‌ها و جنگ‌های داخلی رشد اقتصادی کشورهای منطقه در عدد ۲/۴ درصد ثابت مانده است. بنابراین حتی کشورهای تولیدکننده نفت با مشکل جدی مواجه هستند (Bahman, 2016: 11).

جدا از تضعیف اقتصاد کشورهای منطقه خاورمیانه و تولیدکننده نفت، ایران و روسیه که امروزه در بحران‌های اخیر خاورمیانه به دلیل گسترش فعالیت گروه‌های سلفی-تکفیری و قفقاز در صدد هستند همکاری‌های خود را برای جلوگیری از نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش دهند، روابط باکو با عربستان را یک تهدید برای خود تلقی می‌کنند. و با جلوگیری از این همکاری ذکر شده بین عربستان و آذربایجان می‌تواند ضربه مهلکی بر اقتصاد این کشور وارد کند (Papuashvili, 2017:7). به عبارت دیگر فعالیت گروه‌های تروریستی در خاورمیانه باعث ایجاد نوعی قطب بندی در بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه شده است. این رقابت به حوزه‌های دیگر از جمله قفقاز جنوبی کشیده شده و استقلال عمل این جمهوری‌های را تا حدودی کاهش داده است.

تهدیدهای اجتماعی

بعد اجتماعی امنیت در کنار بعد نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا هرگونه تهدیدی را که متوجه رفاه شهروندان شود باعث می‌شود که این بعد از امنیت چه بسا مهم‌تر از امنیت نظامی مورد توجه قرار گیرد. چرا که این بعد از امنیت از داخل جامعه ریشه گرفته است (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۵). امروزه با توجه به فعالیت گروه‌های سلفی-تکفیری در بعد اجتماعی شاهد اقدامات چشم‌گیر این گروه که باعث به خطر افتادن امنیت اجتماعی مناطق مختلف شده است هستیم. استفاده کردن از شبکه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام و راه‌اندازی شبکه‌های تبلیغاتی در مناطق مختلف توسط این گروه‌ها باعث شده است که افرادی در مناطق مختلف به این سیستم پیوندند. لذا این تهدید در کنار چند رگه بودن اعضای این گروه، ایجاد رعب وحشت، حملات برق آسا و انجام اقدامات خشن نظیر اعدام، که موجب رشد و گسترش بدنه آن‌ها و ایجاد مشکلاتی اجتماعی در مناطق مختلف شده است. چرا که با استفاده کردن از این شبکه‌های اجتماعی و جذب نیرو از نقاط مختلف ارتش بزرگی را تدارک دیده‌اند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۶).

در بعد تهدیدهای اجتماعی گروه‌های سلفی-تکفیری باید به اقدامات داعش اشاره کرد. این گروه به دنبال ایجاد حکومت اسلامی در عرصه و نقاط مختلف هستند. لذا برای رسیدن به هدف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که این گروه مورد توجه خود قرار داده است استفاده کردن از اعدام شهروندان مناطق تصرف شده می‌باشد. بنابراین گروه‌های سلفی-تکفیری این اقدامات را اجرای شریعت معرفی و آن را توجیه می‌کنند. در مناطق تصرف شده؛ این گروه بناهای با ارزش و فرهنگی را از بین می‌برند و آن‌ها را به روزهای اول اسلام

بازمی‌گردانند. از زمان اعلام خلافت گروه داعش در ماه ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کردند که بیش از ۱۴۰ حمله تروریستی را در ۲۹ کشور دیگر به غیر از عراق و سوریه انجام داده‌اند و در اثر این حملات ۲۰۴۳ نفر را قتل عام و هزاران نفر دیگر را زخمی کرده‌اند (lister at al: 2017:2-9). این اقدامات را در جهت ایدئولوژی خود انجام می‌دهند. چرا که این گروه‌ها هدف خود را نابودی تمام شیعیان و غیر مسلمانان و ایجاد یک حکومت برای اجرای شریعت سلفی خود می‌داند. این مسئله باعث شده است که با استفاده کردن از امکانات رسانه‌ای خود، حضور خود را در مناطق مختلف گسترش دهند و انتظار انجام عملیات‌ها تروریستی در نقاط مختلف توسط این گروه‌های سلفی - تکفیری وجود داشته باشد (Barker, 2016: 2).

یکی از نقاطی که انتظار تهدیدهای اجتماعی این گروه‌های سلفی - تکفیری در آن وجود دارد قفقاز جنوبی و جمهوری‌های این منطقه است. چرا که این منطقه دارای مذهب‌هایی نظیر شیعه و مسیحی هستند که عموماً ایدئولوژی گروه‌های سلفی - تکفیری آن‌ها را مرتد می‌خواند. برای مثال چون با وجود اینکه آذربایجان یک کشوری سکولار با اکثریتی شیعه است و از آنجا که داعش علیه شیعیان عراق و سوریه جنگ را آغاز کرد امکان به خطر افتادن امنیت باکو را دوچندان می‌کند. زیرا نیروهای دولت اسلامی عراق و شام مخالف هرگونه نهادهای ملی‌گرایی است و تمام قوانین سازمان ملل را "بی رحمانه" تلقی می‌کند. و با توجه به مولفه‌های ذکر شده بیشتر ظرفیت‌های باکو مخالف ایدئولوژی دولت اسلامی عراق و شام قرار دارد (Chiragov, 2016). این موضوع امکان رغبت داعش برای از بین بردن مخالفین خود (عموماً شیعیان) را در جمهوری آذربایجان با توجه به فعالیت افراد آذری در بطن نیروهای داعش را بالا برده و امکان اینکه بتواند امنیت این کشور را با خطر جدی مواجه کند زیاد است.

منطقه "پانکسی" نیز در گرجستان گرایش به مذهب تسنن دارند که این گرایش یا افراطی هستند که یک معضل به نوبه خود می‌باشد و یا میانه رو که مورد تأیید گروه‌های سلفی - تکفیری نمی‌باشند. و باعث می‌شود که تهدیدهای اجتماعی ناشی از اقدامات گروه‌های سلفی - تکفیری متوجه گرجستان نیز بشود (Miller, 2017). در ارمنستان نیز با توجه به واکنشی مبنی بر از بین بردن کلیساها و مراکز مذهبی آن‌ها که گروه‌های تروریستی به ارامنه در خاورمیانه نشان داده‌اند در معرض این مشکل و تهدید اجتماعی وجود دارد. این مسئله در کنار حساسیت مردم ارمنستان نسبت به مذهب خود می‌تواند مشکلات اجتماعی را برای ایروان با ارمغان بیاورد. (Sevdimaliyev, 2016).

نتیجه‌گیری

گسترش فعالیت گروه‌های سلفی و تکفیری در محیط پیرامونی قفقاز جنوبی تأثیر جدی بر

مجموعه امنیتی این منطقه داشته است. مقاله حاضر بر مبنای این فرضیه انجام شد که گسترش جریان‌های سلفی و تکفیری در محیط پیرامونی مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی سبب ایجاد چالش‌های جدی امنیتی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای این منطقه شده است و نتایج حاصل از این مقاله بیانگر تأیید این فرضیه است. آنچه بر گسترش تأثیرگذاری این گروه‌ها بر دولت‌های این منطقه افزوده است وجود تنوع قومی و مذهبی و همچنین عدم دولت-ملت‌سازی کامل است که بستر لازم برای تأثیرپذیری از این جریان‌ها در منطقه را فراهم آورده است.

گسترش سلفی‌گری در محیط پیرامونی بر مجموعه امنیتی قفقاز جنوبی تأثیر به‌سزایی بر تمام ابعاد زیستی و اجتماعی و به ویژه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی داشته است. در بعد امنیتی با توجه به پیوستن افرادی از این جمهوری‌های به گروه‌های سلفی تندرو در عراق و سوریه و با توجه به شکست‌های اخیر این گروه‌ها که منجر به تضعیف آنها شده است، امکان بازگشت این افراد به کشور خود را بالا برده و با بازگشت این افراد و کسب تجربه در زمینه عملیاتی امکان دارد که امنیت این کشورها را با مشکل جدی مواجه کند. در جمهوری آذربایجان ضمن توجه به حکومت سکولار در این کشور و با توجه به اینکه اکثریت مردم آن شیعه مذهب هستند امکان تهدیدهای امنیتی بالا به نظر می‌رسد. زیرا شیعیان از جمله اهداف بالقوه این گروه‌ها به شمار می‌روند.

در بعد سیاسی نیز این کشورها هرکدام با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. گرجستان با مشکلاتی نظیر جدایی‌طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی و نیز وجود برخی سلفی‌های افراط‌گرا در منطقه پانسکی مواجه است که تهدیدهایی را برای تفلیس در پی داشته است. در ارمنستان نیز به‌رغم اینکه ایروان رابطه و نفوذ مثبتی با بسیاری از کشورهای خاورمیانه دارد، اما با توجه به بحران‌های اخیر و رقابت‌های موجود بین روسیه و غرب به اهداف سیاسی خود دست پیدا نکرده است. بنابراین ایروان درصدد است از طریق اقداماتی بشردوستانه نظیر پناه دادن به پناهندگان سوری، میزان توانایی‌های خود را برای حل بحران نشان دهد. در همین زمینه اروپا و آمریکا کمک‌ها به ایروان را در جهت رسیدگی به بحران پناهندگان افزایش داده‌اند که این موضوع نیز با مخالفت روسیه همراه بود. در بعد اقتصادی نیز هر سه این جمهوری‌ها در حالیکه هر سه جمهوری به دلیل مشکلات اقتصادی قابل توجه نیازمند حجم بالای سرمایه‌گذاری هستند، گسترش فعالیت گروه‌های سلفی افراطی در محیط پیرامونی آسیب جدی به امنیت سرمایه‌گذاری زده است. آذربایجان که تا حد بالایی به درآمدهای نفتی وابسته است نیازمند سرمایه‌گذاری مداوم خارجی در این بخش است و به دلیل بالاتر بودن هزینه‌های تولید نفت در این کشور در مقایسه با خلیج فارس در سالیان اخیر به اتکای امنیت نسبی خود سرمایه‌گذاران خارجی را جذب نموده است که به نظر می‌رسد امنیت‌زدایی گروه‌های سلفی می‌تواند بر این ویژگی آذربایجان تأثیرگذار

باشد.

به نظر می‌رسد جهان در دوران کنونی با نوعی درهم تنیدگی مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مواجه شده است و نمی‌توان هر منطقه را به شکل مجزای از منطقه دیگر مورد ارزیابی قرار داد. از این‌رو زیست سیاسی، امنیتی و اقتصادی در قفقاز جنوبی به شکل قابل توجهی تحت تأثیر تحولات مجموعه‌های امنیتی پیرامونی قرار دارد و گسترش جریان‌های سلفی-تکفیری در پس از تحولات سال ۲۰۱۱ سبب شده این مجموعه امنیتی شاهد نوعی تغییرات درونی و برجسته شدن چالش‌های درونی باشد.

امنیت همکاری جویانه در قفقاز با موانع و مشکلاتی روبروست که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی مختلف در منطقه، اختلافات و رقابت کشورهای منطقه‌ای با بازیگران فرامنطقه‌ای؛ توزیع نابرابر قدرت در سطح منطقه و عدم توازن بین کشورهای مختلف؛ عدم اعتماد و اطمینان کشورها نسبت به یکدیگر، رقابت قدرتهای فرامنطقه‌ای بر سر منابع و انتقال انرژی؛ وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به بازیگران فرامنطقه‌ای، بلوکهای متعارض قدرت و اتحادهای نظامی متضاد. با عنایت به مشکلات فوق و همچنین با توجه به تحولات اخیر افغانستان و حاکمیت طالبان و نیز بحران قره باغ و حضور نیروهای تکفیری با پشتیبانی ترکیه و آذربایجان، به ویژه رژیم صهیونیستی، دولت‌های این منطقه بخصوص جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین را بر آن داشته تا علی‌رغم منافع متعارض و اختلافات موجود، سیاست خارجی و نگاه دفاعی و امنیتی خود را در جهت همگرایی منطقه‌ای نزدیک نمایند و به فکر ایجاد الگویی جدید بر اساس تهدیدات مشترک و ارائه ایده تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به منظور ایجاد بازدارندگی و نیز تقابل با افراطگرایی باشند.

با توجه به موانع و مشکلات موجود در منطقه مورد نظر، جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع استراتژیک خود، راهبرد امنیتی چند وجهی را در منطقه قفقاز دنبال می‌نماید. از جمله این راهبرد چند وجهی می‌توان به همکاری و همگرایی کارکردی - اقتصادی؛ میانجی‌گری و مدیریت بحران؛ موازنه‌سازی و امنیت همکاری جویانه اشاره نمود.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله، و اصولی، قاسم. (۱۳۹۴). چگونگی کاربری مؤلفه‌های امنیتی در قفقاز جنوبی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۹۰).
- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر، و احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵ (۱۸).
- بوزان، باری، و ویور، اولی. (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها (رحمان قهرمان‌پور، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل (رحمان قهرمان‌پور، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. (۱۳۹۰). مردم، دولت‌ها و هراس (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بردبار، مهرداد. (۱۳۹۵). عوامل ژئوپلیتیک و ثبات منطقه‌ای: مطالعه موردی منطقه قفقاز جنوبی. فصلنامه سیاست جهانی، ۵ (۱)، ۲۶۵-۲۳۳.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، و موسوی‌فر، رحمت‌اله. (۱۳۹۱). تعارض در رویکردهای استراتژیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به مسائل امنیتی قفقاز جنوبی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۸۱ (۸۱)، ۶۵-۴۸.
- داداندیش، پروین، و کوزه‌گرکالجی، ولی. (۱۳۸۹). بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی. فصلنامه راهبرد، ۱۹ (۵۶)، ۱۰۷-۷۳.
- دهشیری، محمدرضا، و جوزانی‌کهن، شاهین. (۱۳۹۴). شبکه سلول‌های تروریستی در آسیای مرکزی. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۹۴ (۹۴)، ۶۳-۲۹.
- دهشیری، محمدرضا، و همکاران. (۱۳۹۶). تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق. مقاله ۲، دوره ۶، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۹)، ۴۳-۷۸.
- سازمند، بهاره، و جوکار، مهدی. (۱۳۹۵). مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۲ (۲)، ۱۷۷-۱۵۱.
- طاهری، ابوالقاسم، و سیفی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای. فصلنامه سیاست‌پژوهی، ۱ (۱)، ۱۵۱-۱۲۹.
- عبداله‌خانی، علی. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- قیصری، نوراله. (۱۳۹۳). مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرش نوین. فصلنامه آفاق امنیت، ۷ (۲۲)، ۵۶-۲۷.
- کرم‌زادی، مسلم، و خوانساری‌فرد، فهیمه. (۱۳۹۱). دولت‌سازی در قفقاز جنوبی؛ شکست‌ها و موفقیت‌ها. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۷۸ (۷۸)، ۱۶۶-۱۳۷.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۱). مکتب کپنهاگ، مبانی نظری و موازین عملی. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ۳۳ (۳۶)، ۵۸-۳۳.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۵). اروپا و مسئله امنیت در خاورمیانه. فصلنامه راهبرد، ۴۱ (۴۱).
- وثوقی، سعید، و همکاران. (۱۳۹۳). تحلیل موضوع‌های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ. دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷ (۱)، ۱۹۴-۱۷۵.

- Abrahamyan, Eduard. (2015). The Anti-ISIS Coalition Andp Armenia's Foreign Policy Options. Retrieved from <https://www.cacianalyorg/publications>
- Atabekyanhov, Hannes. (2017). The Armenian Diaspora: Exploring its Legacy for the Future. Retrieved from <https://www.evnreport.com>
- Aghayeva, Sebadd. (2015). Azerbaijan's Balanced Position on Syrian Crisis to Prevent to be Involved into This Process. Retrieved from <https://en.trend.az>
- Banham, Russ. (2016). The Risks and Opportunities of Doing Business in the Middle East. Retrieved from <http://www.rmmagazine.com>
- Barker, Anne. (2016). How Islamic State's Impact Has Gone Global. Retrieved from <http://www.abc.net.au/news>
- Buzan, Barry. (2000). The Logic of Regional Security in the Post-Cold War World. London: Macmillan Press.
- Buzan, Barry, & Wæver, Ole. (1997). Slippery? Contradictory? Sociologically Untenable? The Copenhagen School Replies? Review of International Studies, 3(88), 241.
- Chausovsky, Eugene (2015) The Caucasus: A Crucible for Eurasian Powers. Retrieved from <https://worldview.stratfor.com>
- Dewaalt, Thomas. (2017). Whither the South Caucasus? Retrieved from <http://carnegieeurope.eu>
- Domm, Patti. (2017). Here's How the Syrian Conflict Could Actually Send Oil Prices Lower. Retrieved from <http://www.cnbc.com>
- Hanoush, Feras. (2016). Fighters from the Caucasus Join ISIS or Fight Russians? Retrieved from <http://www.atlanticcouncil.org>
- Jafarli, Natig. (2016). Azerbaijan: Approaching Crisis Point. Retrieved from <http://www.eurwa>
- Kramer, David J. (2016). Renewed Confrontation in Georgia. Retrieved from <https://www.cfr.org>
- Lister, Et al. (2017). ISIS Goes Global: 143 Attacks in 29 Countries Have Killed 2,043. Retrieved from <https://edition.cnn.com>
- Miller, Chris. (2017). What Will Shape the Caucasus in 2017? Retrieved from <http://www.fpri.org>
- Wæver, Ole, Buzan, Barry, et al. (1993). Identity, Migration, and the New Security Agenda in Europe. London: Printer.